

مقاله علمی - پژوهشی

شناسایی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی در توسعه فعالیت‌های
کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: دهستان رادکان)

شادی خوب^۱، حمدالله سجاسی قیداری^{۲*} و علی اکبر عنابستانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱ مهر ۱۳۹۹

چکیده

امروزه اکثر مردم به ویژه در مناطق روستایی از دسترسی به خدمات مالی مانند اعتبارات خرد در قالب تسهیلات و یا پس‌انداز محروم هستند. در صورتی که اعتبارات خرد می‌تواند انگیزه کارآفرینی را در میان افرادی که به فکر راه‌اندازی کسب و کار در مناطق روستایی هستند را تقویت کند. هدف تحقیق حاضر، شناسایی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی روستایی دهستان رادکان می‌باشد. این پژوهش از منظر پارادایم جزء تحقیقات کیفی و با رویکرد آسیب‌شناسانه و با غایت اکتشاف (موانع و مشکلات استفاده از اعتبارات خرد دولتی) به انجام رسیده است. در این پژوهش که در سال ۱۳۹۸ انجام شد، از روش نظریه‌پردازی بنیانی و شیوه مصاحبه کیفی و عمیق نیمه ساختارمند، برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها در ۱۳ روستای مورد مطالعه استفاده شده است. جامعه نمونه را ۲۹ نفر کارآفرین روستایی دهستان رادکان و ۶۸ نفر مردم روستایی تشکیل داده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تحلیل محتوایی مورد واکاوی قرار گرفتند و طی مراحل کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) طبقه‌بندی گردیدند. یافته‌های حاصل از تحقیق به استخراج مدل مفهومی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد برای کارآفرینی منتهی شده است. بطوریکه کارآفرینان و مردم روستایی به دلیل وجود موانع و محدودیت‌های (اقتصادی، اجتماعی و نهادی - اداری) از گرفتن وام منصرف می‌شوند. بنابراین تسهیل ارائه وام‌های کم بهره، با دوره‌های بازپرداخت طولانی در راه‌اندازی کسب و کارهای جدید روستایی تاثیرگذار خواهد بود.

کلمات کلیدی: توسعه روستایی، اعتبارات خرد، کارآفرینی روستایی، دهستان رادکان

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۲ - استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۳ - استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

(*-نویسنده مسئول: ssojasi@um.ac.ir)

مقدمه

امروزه توسعه کارآفرینی به عنوان یک راهبرد نوین در اقتصاد، نقش مؤثری را در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها دارا است و به معنای خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است، یعنی فرآیند ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن آن می‌باشد (موحدی و یعقوبی‌فرانی، ۱۳۹۱). در این راستا، روستا نیز به عنوان مکانی با ویژگی‌های اقتصادی خاص خود، از نظر کارآفرینی جایگاه خاصی را در دانش اقتصاد بر عهده دارد. با این وجود امروزه اکثر صاحب نظران توسعه روستایی یکی از دلایل عمده مشکلات روستایی را پایین بودن نرخ بهره‌وری، کمبود سرمایه و منابع مالی، بیکاری و اشتغال ناقص، مهاجرت و فقر و تنگدستی می‌دانند (افتخاری و سجاسی‌قیداری، ۱۳۸۹؛ طوسی و همکاران، ۱۳۹۳). پایین بودن سطح زندگی در نواحی روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به سمت شهرهای بزرگ مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را هم در نواحی روستایی و هم در شهرها به دنبال داشته است. از این رو سیاست و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کشورهای درحال توسعه - از جمله ایران - در پیش گرفته شده است. یکی از این راهبردها کارآفرینی و اشتغال‌زایی است. بنابراین، با توجه به رشد طبیعی جمعیت در روستاها و همچنین مهاجرت اقتصادی گسترده جوانان به شهرها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه روستایی نوین به شمار می‌رود (نوربخش‌رزمی، ۱۳۹۲)؛ زیرا کارآفرینی با هدف پیشرفت، ریشه‌کنی فقر و ایجاد اشتغال به وجود آمده و از طریق تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی و ایجاد شغل، رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد (دانگ لیانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین کارآفرینی روستایی نیز

می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸). کارآفرینان در جوامع روستایی برای شکل دادن به فعالیت خود و خلق یا رشد این فعالیت‌ها نیاز به حمایت دارند، اما بیشتر این جوامع از آمادگی لازم برای تأمین نیازهای ضروری مانند سرمایه، فناوری و اطلاعات برخوردار نیستند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین به رغم وجود منابع فراوان بالقوه و بالفعل در روستاها، افراد تلاشگر، نوآور و کوشا، سبک فعالیت کارآفرینانه در روستاها نهادینه نشده است؛ برای شکلگیری فعالیت کارآفرینانه نیاز به حمایت‌های درونی و بیرونی جامعه روستایی می‌باشند. یکی از مهمترین عوامل، داشتن سرمایه اولیه و کافی برای راه اندازی کسب و کار می‌باشد؛ زیرا قبل از اینکه مردم بتوانند کاری را شروع کنند باید دارای سرمایه باشند (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین مهم‌ترین عنصری که بر فعالیت‌های آنان تأثیر می‌گذارد، پول و سرمایه می‌باشد که تأمین آن می‌تواند از شیوه‌های مختلفی انجام گیرد که اعتبارات خرد یکی از آنها می‌باشد (فرجی‌سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰). زیرا قشرهای تهی‌دست برای افزایش سطح تولید و بهبود زندگی خود، منابع مالی لازم را در اختیار ندارند. این واقعیت موجب شده است که بسیاری از محققان، اعتبارات را برای اقتصاد روستایی، همچون نوشدارو و حلقه مفقوده‌ای تلقی کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۴). به دلیل اهمیت تأمین منابع مالی برای ایجاد و توسعه کسب و کارها، تاکنون مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده است. به عنوان نمونه نظری و عادل (۱۳۹۰) به دنبال مقایسه میزان اثر بخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر می‌باشد که نتایج تحقیق نشان می‌دهد به تبع وضعیت بهتر درآمدی و بالابودن متوسط وام دریافتی قشر ثروتمند، اثرگذاری تسهیلات

افراد، سازمان‌های تجاری، دیگر مؤسسات مالی، دولت و اقتصاد به طور مثبت، عملکرد آنها در اقتصاد انجام می‌شود. لی^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی تحت عنوان تأثیرات رفاهی اعتبارات خرد بر خانوارهای روستایی به نتایجی همچون: از طریق برنامه‌های اعتبارات خرد شاخص‌های رفاهی خانوارهای روستایی بهبود می‌یابد با این وجود اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در اخذ اعتبارات خرد ثروتمند هستند در حالیکه این اعتبارات به عنوان یک راهکار مؤثر در کاهش فقر و سایر توسعه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. فردوسی^۳ (۲۰۱۵) با بررسی تأثیر اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی پایدار، یافته‌های تحقیق حمایت از طرفداران دادن وام به کارآفرینان را نشان می‌دهد و وام‌های بزرگتر درآمد را افزایش می‌دهند، همچنین اقدامات تجاری کم و ابتکاری می‌تواند چنین درآمد را تهدید کند. بنابراین توصیه می‌شود که وام‌های خرد شرکت‌های مرتبط با مهارت‌های کسب‌وکار با نظارت دقیق برای اطمینان از استفاده مؤثر از وام انجام شود. انوانکو و اوکیکه^۴ (۲۰۱۷) می‌دانند که کارآفرینی روستایی می‌تواند به افزایش تولید، ایجاد اشتغال و کاهش اشتغال شهری-روستایی کمک کند. با این حال، کارآفرینان روستایی با چالش‌های خاصی مانند کمبود بودجه و عدم حمایت دولت مواجه می‌شوند. براساس این یافته‌ها محققان توصیه می‌کنند که مناطق روستایی باید جذاب باشند و دولت باید از طریق سیاست‌ها و سایر کمک‌های خود برای کارآفرینان روستایی فضا ایجاد کند.

همان‌طور که در پیشینه تحقیق ملاحظه شد، تحقیقات متعددی در زمینه کارآفرینی و اعتبارات خرد در ایران و جهان صورت گرفته است، که همه آنها به نوعی این دو مقوله را به صورت جداگانه مورد سنجش قرار داده‌اند. با توجه به اینکه،

از جنبه‌های مختلف (ایجاد شغل، نسبت وام به کل سرمایه گذاری و افزایش درآمد) نسبت به قشر ضعیف، بیشتر بوده‌است. بریمانی و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس به این نتایج دست یافتند که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده‌است. گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند. ایزدی و برزگر (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان کارآفرینی و توسعه روستایی آموزه‌هایی از تجارب کشور چین، چالش‌های متعددی در برنامه‌های کارآفرینی روستایی کشور چین وجود داشته و اتخاذ راهبردهای مناسب نظیر صنعتی‌سازی نواحی روستایی و عرضه خدمات آموزشی موجب موفقیت برنامه‌های کارآفرینی روستایی در این کشور شده است. نور بخش رزمی (۱۳۹۲) با تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود)، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع، کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی تأثیر مثبت و معناداری را به ترتیب بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی کیفیت زندگی داشته‌است. اولو^۱ نیز در سال (۲۰۰۹) با بررسی تأثیر منابع مالی خرد در توسعه کارآفرینی نیجریه به این نتایج دست یافت: بین تعداد کارآفرینانی که از اعتبارات خرد استفاده می‌کنند با کسانی که از آنها استفاده نمی‌کنند رابطه وجود دارد. همچنین فعالیت‌های مؤسسات مالی خرد در پیش‌بینی بهره‌وری کارآفرینی اثر قابل توجهی دارد و فعالیت مؤسسات مالی خرد در پیش‌بینی توسعه کارآفرینی تأثیری نخواهد داشت. بنابراین مؤسسات مالی خرد در سراسر دنیا و به ویژه در نیجریه به عنوان یکی از عوامل اصلی در صنعت مالی شناخته شده‌اند که از طریق خدمات ارائه شده به

۲ - Li

۳ - Ferdousi

۴ - Nwankwo & Okeke

۱ - Olu

اعتبارات خرد یکی از شیوه‌های تأمین مالی کارآفرینی است که سبب ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توسعه اقتصادی روستاییان می‌شود، از این رو، با توجه به این که کمتر پژوهشی در رابطه با موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در بین مردم روستایی انجام گرفته است. لذا به نظر می‌رسد با برطرف کردن محدودیت‌های سرمایه‌گذاری از طریق گسترش اعتبارات خرد در مناطق روستایی ایران بتواند موانع عدم وجود سرمایه‌ها را جهت توسعه کارآفرینی از میان برده و گسترش منابع مالی میان روستائیان باعث ترغیب آن‌ها به انجام فعالیت و توسعه کارآفرینی را در پی داشته باشد. بدین صورت که این مؤسسات علاوه بر نقش مهمی که در تمرکز و جهت‌دهی به سرمایه‌های اندک روستایی و ایجاد مشارکت و کارگروهی دارند، می‌توانند به ماندگاری جمعیت در عرصه‌های روستایی نیز کمک مؤثری نمایند (نظری و عادل، ۱۳۹۰)؛ براین اساس حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) بیان داشتند، برنامه‌های اعتبارات خرد با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش بیکاری و به وجود آوردن اشتغال به صورت خود اشتغالی و کارآفرینی و کاهش فقر در مناطق روستایی بسیاری از کشورها است، زیرا دسترسی به سرمایه موجب استفاده از فرصت‌های رشد در شرایط خوب اقتصادی می‌شود (بت‌شکن و سیف‌الدینی، ۱۳۹۱). و همان‌طور که گفته شد قبل از اینکه مردم کاری را شروع کنند باید دارای حداقل سرمایه باشند تا بتوانند یک کسب‌وکاری را براساس توان خود ایجاد نمایند؛ زیرا وجود سرمایه عامل مهمی است که می‌تواند عوامل دیگر را نیز مهیا کند از آنجا که اهداف اعتبارات خرد بالابردن میزان تولید و افزایش اشتغال و تثبیت مالی مشاغل دارای بحران مالی بالا برای میزان تولید و افزایش سطح درآمد و تواناسازی روستاییان به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر می‌باشد. در نواحی روستایی که بیکاری اعم از آشکار و پنهان در سطح وسیعی از اقشار جامعه به خصوص جوانان وجود دارد و از طرفی دیگر درصد بالایی از افراد روستایی در نیمه دوم سال در بیکاری

به سر می‌برند، ضرورت تأمین اعتبارات جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی کار فراوان روستایی کاملاً احساس می‌شود؛ زیرا نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در چند دهه اخیر به منظور تسریع فرایند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیاد مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توان‌مندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقاء بهره‌وری بوده است (صالحی‌چگنی و همکاران، ۱۳۹۵). بر همین اساس اعطای اعتبارات خرد در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از تجربیات جهانی در دستور کار دولت قرار گرفته است. امروزه با توجه به نقش بالای دولت در اقتصاد ایران، دولت می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را جهت اشتغال نیروی فعال در جامعه ایجاد کند و از طرف دیگر با انجام نظارت و سیاست‌گذاری‌های لازم شرایط موردنیاز را برای توسعه فراهم کند. اما باوجود تلاش‌های گسترده دولتی، دسترسی مردم به اعتبارات به ویژه در مناطق روستایی در حد مطلوب و رضایت‌بخشی قرار ندارد و همچنان بخش قابل توجهی از روستاییان بی‌نصیب از اعتبارات می‌باشند که می‌تواند یکی از موانع مهم در خوداشتغالی، ایجاد کسب و کار و کارآفرینی روستایی باشد. روستاییان، روستاهای استان خراسان رضوی نیز از این قاعده مستثنی نیست و همچون سایر مناطق کشور با چنین مشکلاتی مواجه است به خصوص روستاییان به لحاظ مالی ضعیف و آسیب‌پذیر هستند و نیازمند دسترسی به منابع مالی برای راه اندازی و توسعه کسب و کار هستند که در روستاهای منطقه (دهستان رادکان واقع در شهرستان چناران) نیز قابل درک است. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سوال کلیدی می‌باشد که: موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی، در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی روستایی کدام‌اند؟

مبانی نظری

بنابر بر تعریف بانک جهانی، توسعه روستایی استراتژی است

امروزه در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، به ویژه در کشور ما از چالش‌های متعددی از قبیل فقر، بیکاری پنهان، تخریب محیط زیست، تداوم نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع میان نواحی شهری و روستایی رنج می‌برند که بیانگر عدم موفقیت راهبردهای گذشته توسعه روستایی می‌باشد. از اینرو، برای غلبه بر مسائل اقتصادی-اجتماعی پیش روی جوامع روستایی در چند دهه اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای مهم توسعه روستایی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است (شاردری، ۱۳۹۵). کارآفرینی روستایی به عنوان یک مؤلفه مهم برای کمک به توسعه اقتصادی کشور به رسمیت شناخته شده است (احمد و همکاران، ۲۰۱۲). کارآفرینی روستایی می‌تواند یکی از راه‌حل‌های کاهش فقر، مهاجرت، نابرابری اقتصادی، بیکاری و توسعه مناطق روستایی و مناطق عقب مانده باشد (کاشالاکشی و راقورما، ۲۰۱۴). بنابراین کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی، کاهش شکاف شهر-روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی است و در عین حال ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار به شمار می‌آید. اما باید توجه داشت که عوامل متعددی در شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه تاثیرگذار می‌باشند. بطور کلی چهار دسته از عوامل در کارآفرینی حائز اهمیت هستند (شاردری، ۱۳۹۵؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸):

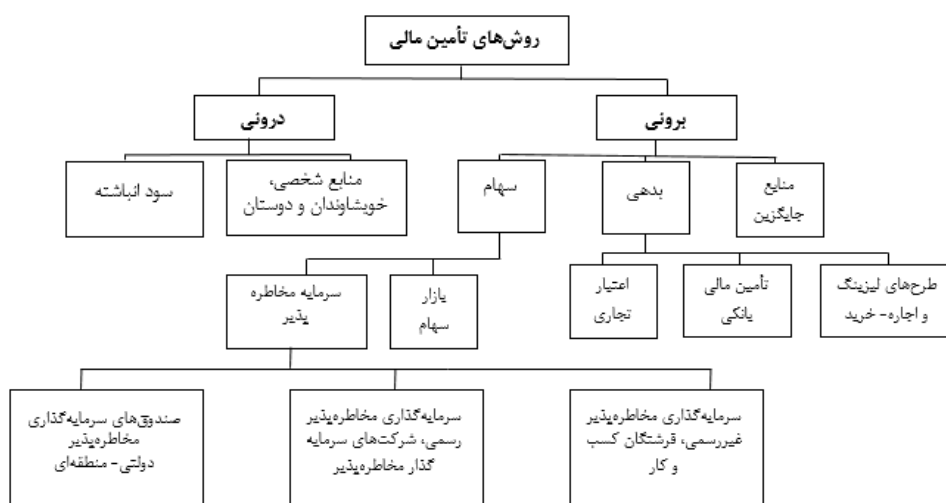
- عوامل اقتصادی مانند: مزایای بازار و فراهم بودن سرمایه؛
- عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند مقبولیت کارآفرینی از لحاظ فرهنگی، حرکات اجتماعی، امنیت و عواملی نظیر طبقات اجتماعی، قدرت و کنترل، تجربه کاری، نقش سرمشق، شرایط زندگی کودکی، ویژگی‌های مرتبط با سابقه

که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم - فقرا روستایی - طراحی می‌شود؛ این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند؛ به عبارتی می‌توان گفت که توسعه به دنبال تغییر وضع موجود جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب بوده که با توجه به ساختارهای جامعه ترسیم شده است. اصطلاح توسعه روستایی از سال‌های ۱۹۵۰ به بعد مطرح شده است که نوعی عمران و بهبود سطح زندگی روستاییان است و شامل توسعه منابع طبیعی با تأکید بر بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن، توسعه صنایع روستایی، توسعه و تجهیز منابع انسانی و تلاش مستمر در راستای بهسازی فضای اجتماعی-اقتصادی زندگی روستایی می‌شود (افراخته و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین توسعه روستایی فرایند تبدیل فرهنگ روستایی سنتی به سمت پذیرش و وابستگی به علم و فناوری و همچنین داشتن نوآوری و خلاقیت است (سینگال و سینگ، ۲۰۱۶). این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها می‌تواند بستری برای کارآفرینی در محیط‌های روستایی و ایجاد کسب و کارهای جدید و تنوع اقتصادی و شغلی روستاها گردد؛ زیرا کارآفرینی به عنوان یک موتور پیشرفت اقتصادی، شغل و تعدیل اجتماعی است که نقش اقتصادی مهم‌تری در کشورهای در حال توسعه دارد (گروول و آتسان، ۲۰۰۸). بررسی نظریه‌های توسعه مشخص می‌گردد که توسعه از طریق کارآفرینی، از مقوله‌های مهمی است که مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار دارد (صیدایی و صادقی، ۱۳۹۳). سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است، در حالیکه در کشور ما به اشتباه این مفهوم صرفاً با اشتغال‌زایی مترادف شده است و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت کارآفرینی پیش می‌روند (نظری، ۱۳۸۷). با این وجود،

فرد، سن و جایگاه مورد انتظار؛

- عوامل روانشناختی مانند استقلال، نیاز به موفقیت، مرکز کنترل درونی، تحمل ابهام، خوداتکایی، حل مسائل و تفکر خلاق، انگیزه‌ها و مخاطره‌پذیری؛
- ترکیب عوامل تولید برای ایجاد تغییر در تولید محصولات و خدمات.

بنابراین، می‌توان گفت که کارآفرینی روستایی تحت تأثیر عوامل گوناگونی شکل می‌گیرد که یکی از مهمترین آنها دسترسی کارآفرینان به منابع مالی و اقتصادی می‌باشد (افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹). بطور کلی شیوه‌های تامین مالی متفاوتی توسط کارآفرینان همیشه مورد استفاده قرار می‌گیرد (شکل ۱).



شکل ۱. طبقه بندی روش‌های تأمین منابع مالی
مأخذ: زرین، ۱۳۹۵.

پس‌انداز، انتقال پول، دستمزد، پرداخت و بیمه‌ی میکرو و کوچک و غیره است (گوپتا^۱، ۲۰۱۴). سیمی^۲، اعتبارات خرد به عنوان نوسدارویی برای مشکلات اقتصادی خانواده‌های فقیر محسوب می‌شود که آن‌ها را از فقر بیرون آورده و زندگی روزمره آن‌ها را از طریق فراهم آوردن ابزار معیشت پایدار، بهبود بخشیده است (سیمی، ۲۰۱۹). هوگو^۳ اعتقاد دارد که از نظر تئوری، اعتبارات خرد باعث افزایش درآمد خانوار می‌شود و منابع بیشتری را در اختیار خانوارها برای مصرف، صرفه جویی و سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹، نقل در هوگو ۲۰۱۸).

اغلب کارآفرینان تلاش می‌کنند تا ترکیبی از منابع مالی را به عنوان پشتوانه برای راه اندازی کسب‌وکار خود داشته باشند. بعد از منابع مالی فردی و خانوادگی، اعتبارات دولتی به ویژه اعتبارات خرد یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تأمین مالی مورد استفاده توسط کارآفرینان محلی و کوچک مقیاس می‌باشد.

اعتبارات خرد و توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی؛ لغت "اعتبارات خرد"، به معنای واقعی کلمه از دو واژه تشکیل شده‌است؛ خرد و مالی که معنای واقعی لغت اعتبار کوچک است. مفهوم اعتبارات خرد، فراتر از ارائه‌ی اعتبار کوچک و خرد برای فقرا به کار می‌رود. کریستین اعتبارات خرد را «ارائه‌ی انواع خدمات مالی به فقرا و نیازمندان براساس رویکردهای بازارمحور و تجاری» می‌داند. این تعریف شامل ارائه‌ی خدمات مالی مانند

۱ - Gupta
۲ - Seemi
۳ - Hugue

مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقاء بهره‌وری بوده‌است (صالحی‌چگنی و همکاران، ۱۳۹۵). از طرف دیگر رضوانی و همکاران (۱۳۹۴) اعتبارات خرد می‌تواند توسط نهادهای وابسته به دولت نیز تامین و پرداخت گردد که سبب کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی خواهد شد. همچنین اعتبارات خرد می‌تواند پشتوانه خوب حمایتی برای افرادی باشد که قصد راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید در روستاها را دارند، باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که این قبیل اعتبارات برای دو هدف عمده پرداخت می‌گردد. در مواردی که هدف مبارزه با فقر و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به ویژه روستاییان است، مقدار آن اندک ولی در مواردی که کمک برای ایجاد شغل و حرفه و ایجاد فرصت شغلی در جوامع روستایی و شهری است، مبلغ آن افزایش می‌یابد. بر این اساس امروزه اعتبارات خرد به عنوان رهیافتی کارآمد، نقش مهمی در حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری و ایجاد فرصت‌های شغلی نموده‌است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۴) و زمینه‌ساز پس‌انداز و توسعه به ویژه در مناطق روستایی به شمار می‌رود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵). به همین دلیل از دیدگاه بسیاری از محققین یکی از عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی، وجود اعتبارات خرد، افزایش در میزان آن و سهولت دسترسی به آن می‌باشد. دسترسی آسان و سریع به اعتبارات، یکی از ضرورت‌ها و پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی روستایی است. زیرا از یک سو، روستاییان و فعالان بخش کشاورزی، به دلیل درآمد کم و بالا بودن هزینه‌های تولید، قادر به سرمایه‌گذاری گسترده نیستند و از سوی دیگر بخش خصوصی تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ندارد. از جهتی دیگر اعتبارات برای توسعه ضروری بوده و سرمایه مورد نیاز کشاورزان و کارآفرینان را برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و ایجاد کسب‌وکار جدید فراهم می‌سازد (رجبی، ۱۳۹۳). نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح-شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و

بومن (۱۹۹۷) در کتاب خود تعریفی از اعتبارات خرد ارائه نموده است که شاید در عین کوتاهی، گویاترین تعریف برای اعتبارات باشد. این تعریف عبارت است از: کوچک، کوتاه بودن وثیقه، به عبارت دیگر اعتبارات خرد به معنای ارائه‌ی وام‌هایی با مبلغ کم، بدون وثیقه به افراد کم درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را بازپرداخت می‌کنند (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه در اکثر کشورهای درحال توسعه، مردم از دسترسی به خدمات مالی (در قالب تسهیلات و پس‌انداز) محروم هستند در نتیجه باعث می‌شود که آنها در گرداب فقر گرفتار شوند؛ زیرا وقتی منابع مالی کافی برای فعالیت نداشته باشند، نتیجه آن در قالب کاهش بهره‌وری تولید و کاهش درآمد بروز می‌کند. بنابراین اعتبارات خرد برای تأمین مالی کسانی است که به طور معمول نمی‌توانند از خدمات نهادهای رسمی متداول استفاده نمایند و هدف اصلی آن گردآوری ظرفیت‌ها و توانایی‌ها برای تولید ثروت در میان افراد فقیر و تأمین منابع پایدار امرار معاش برای ساکنان روستایی است (فاسورانتي، ۲۰۱۰ نقل در چگنی و همکاران، ۱۳۹۵). به دلیل آن که گرفتن وام و خدمات مالی نیاز به داشتن وثیقه، ضامن معتبر و یا داشتن حساب پس‌انداز دارد، در کشورهای در حال توسعه افراد فقیر و محروم اجتماع، که وام‌گیرندگانی مخاطره‌آمیز و فاقد توان بازپرداخت اقساط محسوب می‌شوند، قادر به تهیه اعتبارات از مؤسسه مالی رسمی و غیر رسمی نیستند؛ گنج‌خانی (۱۳۹۴) بیان داشتند در دو دهه اخیر در این کشورها، اعتبارات خرد نقش حیاتی در کاهش فقر و افزایش دسترسی فقرا به منابع مادی، که مقدمه و زمینه ساز توانمندسازی اند، ایفا کرده‌است. همچنین اعتبارات خرد می‌تواند در قالب شبکه‌هایی از افراد، که بیشترین آشنایی و اعتماد را با یکدیگر دارند، شکل گیرد و به عنوان یکی از راهکارهای مطرح شده در چند دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیاد مالی و پس‌انداز در

تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق بهره‌وری با تأکید بر به کارگیری اعتبارات خرد بوده‌است. اما دسترسی روستاییان به اعتبارات خرد دولتی به راحتی امکانپذیر نبوده و عمدتاً دارای موانع متعددی می‌باشد. بر این اساس شناخت موانع و محدودیت‌های دسترسی روستاییان به اعتبارات خرد می‌تواند یکی از مسائل بسیار مهم برای امور تسهیلگری در فرآیند کارآفرینی روستایی باشد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از منظر پارادایم تحقیق جزو تحقیقات کیفی محسوب می‌شود و با رویکرد آسیب‌شناسانه و با غایت اکتشاف (موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی روستایی) به انجام رسیده است. در این پژوهش، از روش تئوری بنیانی^۱ و شیوه مصاحبه کیفی و عمیق ساختارنیافته (باز)، برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شده است. تئوری بنیانی از روش‌های تحقیق کیفی است که برای بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی به کار می‌رود این روش، گلاسرو استراوس که آن را شکل داده‌اند، ریشه در مکتب تفسیری تعامل‌گرایی سمبلیک دارد. و به صورت سیستماتیک و در غالب مراحل منظم، پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (کرمی‌دهکردی و کلانتری، ۱۳۹۰). منظور از نظریه بنیانی آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل، و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند. نظریه‌ای که بدین طریق از داده‌ها استخراج شده باشد، بیش‌تر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه‌ای که با کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم بر مبنای تجربه

یا صرفاً حدس و گمان. نظریه‌های بنیانی به سبب آن که از داده‌ها بیرون کشیده شده می‌شوند، بیشتر می‌توانند بصیرت‌افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل شوند (افشار، ۱۳۹۰). نظریه بنیانی به مراحل عملی ساخت تئوری یا مدل در پنج مرحله اشاره می‌شود:

- مرحله اول، طرح تحقیق است شامل دو گام: بررسی مطالعات فنی و انتخاب موارد.
- مرحله دوم، گردآوری داده‌هاست که ورود به میدان تحقیق است.
- مرحله سوم، تنظیم داده‌ها و نگارش گویه‌ها و مفاهیم است.
- مرحله چهارم، تجزیه و تحلیل داده‌هاست که اصلی‌ترین بخش تحقیق است.
- مرحله پنجم طراحی و اعتبار مدل است (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹).

جامعه آماری این تحقیق را مردم روستایی و کارآفرینان روستایی تشکیل داده است. جامعه آماری در این پژوهش، روستاهای دهستان رادکان واقع در شهرستان چناران که با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته از ۲۸ روستایی که در این دهستان واقع شده‌اند تعداد ۱۳ روستا به عنوان روستاهای نمونه تعیین شده‌اند (با توجه به موضوع تحقیق، جامعه آماری شامل همه افراد روستایی اعم از افرادی که اعتبارات خرد گرفته‌اند و یا حتی کسانی که نگرفته‌اند، می‌باشد) که عبارتند از: روستای رادکان، موچنان، قیاس آباد، حکیم‌آباد، خریج، گروه، مغان، چمگرد، بهمن‌جان علیا، دلمه علیا، سوهان، قرق و مریچگان که در سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی برابر با ۹۵۸۶ نفر می‌باشند. در ادامه برای جمع‌آوری اطلاعات از دو گروه مردم روستایی و کارآفرینان روستایی به صورت کیفی و از طریق مصاحبه اقدام گردید. در این بخش اندازه نمونه و فرآیند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری یا آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس ادامه یافت. بدین منظور، ۶۸ نمونه از مردم روستایی مورد

مصاحبه قرار گرفته است. همچنین تعداد ۲۹ پرسشنامه تحت عنوان پرسشنامه کارآفرین روستایی نیز در بین کارآفرینان معرفی شده از سوی سازمان‌های جهاد کشاورزی، فرمانداری، اداره بهزیستی شهرستان چناران تکمیل گردید.

تحلیل و ارائه یافته‌های حاصل از مصاحبه‌گری بر ترکیب رویه‌گذاری طبقه‌بندی شده موضوعی و نیز روند کدگذاری رایج در تئوری بنیانی مشتمل بر فرآیند سه گام‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در نتیجه، تلفیق مضامین و مفاهیم حاصله استوار بوده است. این مراحل همواره با هم در پیوند بوده و به تدریج نسبت به متن حالتی انتزاعی‌تر و تفسیری‌تر به خود می‌گیرند. در جریان کدگذاری این تحقیق، برخی از کدها بطور مستقیم از متن مصاحبه‌ها و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان برگرفته شده‌است و برخی دیگر به صورت محقق ساخته با عنایت به مبانی نظری و تجربه تیم تحقیق و به منظور بازنمایی دیدگاه‌های پاسخگویان در قالب مفاهیم رایج مطرح شد (کر و شریف‌زاده، ۱۳۹۵). لذا پس از جمع‌آوری اطلاعات، مطابق با تمامی پژوهش‌های کیفی، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تحلیل محتوایی مورد واکاوی قرار گرفتند و طی مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی گردیدند. در کدگذاری باز به هریک از علل تغییر کاربری مطرح شده از سوی نمونه‌ها یک کد داده شده و تمامی داده‌ها کدگذاری گردیده‌اند. سپس در کدگذاری محوری میزان تشابه و تفاوت هر یک از مفاهیمی که در کدگذاری باز بدست آمده بود مقایسه شد، و در نهایت در کدگذاری انتخابی نوعی طبقه‌بندی کلی برای تمامی داده‌ها بدست آمد و از این طریق موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی روستایی استخراج گردید. بعد از تعیین مقوله محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری در قالب یک مدل پارادایمیک ترسیم می‌شوند. این مدل یا الگوی نهایی، در واقع همان تئوری بنیانی یا نظریه مبتنی بر داده‌ها

است.

نتایج

در بین پاسخگویان، افراد با ۳۰-۲۰ سال دارای بیشترین فراوانی (معادل ۳۱/۶ درصد) و روستاییان دارای ۶۱-۷۰ سال (معادل ۵/۱ درصد) دارای کم‌ترین فراوانی هستند. به لحاظ جنسیت اغلب پاسخگویان (۷۵ درصد) را نیز مردان تشکیل می‌دهند. در گروه روستاییان ۲۳/۸۳ درصد پاسخگویان در بخش کشاورزی و زنان روستایی که ۲۲/۵۵ درصد پاسخگویان را شامل شده‌اند به خانه‌داری مشغول هستند. در گروه کارآفرینان و کارآفرینان داخل نمونه مردم روستایی ۴۱/۳۸ درصد شغل اصلی خود را کشاورز معرفی نمودند و بعد از آن حدود ۲۰/۶۹ درصد از آنها نیز به حرفه دامداری مشغول می‌باشند. در گروه روستاییان، سطح تحصیلات سیکل و بیسواد و کمتر از آن به ترتیب با ۳۷/۹ و ۳۶/۲ درصد بیشترین افراد پرسش‌شونده را تشکیل داده‌است. در حالی که در گروه کارآفرینان، بیشترین سطح تحصیلات مربوط به سیکل با ۴۴/۸ درصد بوده‌است. از لحاظ تعداد اعضای فعال در فعالیت کارآفرینی بیشترین نسبت افراد حاضر در نمونه (۵۶ درصد) همسر و فرزندان می‌باشد. بیشترین میزان اعتبار دریافتی در بین نمونه‌ها حدود ۵-۱۰ میلیون می‌باشد. همچنین در ارتباط با دریافت وام، تمامی کارآفرینان یا خودشان یا یکی از اعضای خانواده آنها برای کارآفرینی وام دریافت کرده‌اند، اما در گروه مردم عادی روستا، ۳۴/۸ درصد اصلاً وامی نگرفته‌اند. حدود ۹۰ درصد کارآفرینان تمایل به دریافت مجدد وام دارند. اما در بین مردم عادی روستا، تنها ۴۱ درصد تمایل به گرفتن وام دوباره دارند.

در ادامه، تحلیل و ارائه یافته‌های حاصل از طرح سؤال باز تحت عنوان موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی بر ترکیب رویه کدگذاری طبقه‌بندی شده موضوعی و نیز روند کدگذاری رایج در نظریه‌پردازی زمینه‌زا (تئوری بنیانی)

عبارت های مرتبط با موضوع اشاره شده توسط نمونه ها یک کد داده شد که در نهایت ۷ مورد موانع و محدودیت استفاده از اعتبارات خرد از مصاحبه گروه کارآفرینان روستایی مورد شناسایی قرار گرفت (جدول ۲).

در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که موضوع مشترک داشتند در قالب مفاهیمی جدید گروه بندی شدند. با توجه به بررسی های انجام شده و موانع و محدودیت های استفاده از اعتبارات خرد دولتی با توجه به بار مفهومی هر یک از موارد در طبقه بندی متناسبی قرار گرفت. به عبارتی طبقه ای گسترده به دست آمد که هر یک از آنها دارای خرده های طبقه ای است (جدول ۳).

در شکل ۲، موانع و محدودیت های استفاده از اعتبارات خرد برای کارآفرینان آورده شده است. که این موانع در سه بعد اقتصادی، اجتماعی، نهادی-اداری می باشد. از موانع اقتصادی کارآفرینان می توان به بهره و سود زیاد بانک ها و عدم توانایی بازپرداخت به موقع اقساط، اشاره کرد. همچنین از موانع اجتماعی استفاده از اعتبارات خرد برای کارآفرینان می توان به مواردی همچون؛ نداشتن ضامن معتبر و نداشتن وثیقه اشاره نمود و در آخر، یکی دیگر از موانع و محدودیت های کارآفرینان مربوط به بعد نهادی-اداری می باشد که شامل: مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری، طولانی بودن مراحل فرآیند ثبت نام تا اعطای وام و کافی نبودن مبلغ وام برای راه-اندازی اشتغال می باشد.

مشمول بر فرآیند سه گامه ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در نتیجه، تلفیق مضامین و مفاهیم حاصله استوار بوده است. این مراحل همواره با هم در پیوند بوده و هم پوشانی دارند و به ترتیب نسبت به متن حالتی انتزاعی تر و تفسیری تر به خود می گیرند.

در فرآیند کدگذاری، برخی از کدها یا به واقع مضامین و مفاهیم بطور مستقیم از متن گفته های پاسخگویان پرسشنامه برگرفته شده است (کدهای بروزبایانده) و برخی دیگر به صورت محقق ساخته با عنایت به مفاهیم و مضامین برگرفته شده از مرور مبانی نظری و ادبیات رایج حوزه کسب و کار و کارآفرینی و اعتبارات خرد و شواهد تجربی به دست آمده است (کدهای پیش ساخته یا کدهای محقق ساخته) و به منظور بازنمایی دیدگاه های پاسخگویان در قالب مفاهیم رایج مطرح شده اند. پس از آن که کدهای باز از طریق تحلیل محتوای کیفی به طور مستقیم از گفته های مصاحبه شوندگان برگرفته شد، در مرحله بعد یعنی در طی کدگذاری محوری به گزینش مضامین و مفاهیم محوری و نمایا از بین کدهای باز اقدام گردید. در این بین، تلاش شد تا از بین کدهای باز، آن کدهایی انتخاب شوند که برای بازنمایی و پوشاندن دیگر کدها و شکل گیری مقوله ها قابلیت دارند. در واقع اگر کدهای باز به مثابه مفاهیم و مضامین خرد در نظر گرفته شوند، کدهای محوری نقش سازه ها یا مفاهیم کلی را ایفا می نمایند. سرانجام با مرور و دسته بندی مفهومی کدهای محوری، طبقات مفهومی کلان و کدهای انتخابی شکل گرفت. بر این اساس نظرات مرتبط با موانع و محدودیت های دریافت اعتبارات خرد دولتی توسط کارآفرینان روستایی نمونه مورد بررسی، استخراج گردید (جدول ۱).

پس از استخراج نکات کلیدی نمونه های کارآفرین در ارتباط با موانع و محدودیت های استفاده از اعتبارات خرد، از درون مصاحبه های ضبط شده، در ادامه مطابق با فرآیند روش تئوری بنیانی مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی طبقه بندی گردیدند. در مرحله کدگذاری، به هریک از

جدول ۱. پاسخگویان (گروه کارآفرین)

افراد پاسخگو	موانع و محدودیت
کارآفرین اول	از زمانی که درخواست وام می‌دهیم تا زمانی که وام دریافت می‌کنیم عمری از ما می‌گذرد، پیدا کردن ضامن به این آسونی نیست، مقدار وام کم است
کارآفرین دوم	مشکل در پیدا کردن ضامن و وثیقه، طولانی بودن مراحل ثبت نام تا دریافت، مقدار وام کافی نیست
کارآفرین سوم	پیدا کردن وثیقه برای ما مشکل است، طولانی بودن مراحل از آغاز فرایند ثبت نام تا دریافت وام
کارآفرین چهارم	کارهای بانکی انقدر پیچیده است که باعث پشیمانی و انصراف از درخواست وام می‌شود
کارآفرین پنجم	پیچیدگی و سختی کارهای اداری، طولانی و وقت گیر بودن کارهای بانکی، کافی نبودن مقدار وام
کارآفرین ششم	بهره و سود زیاد بانک‌ها، مقدار وامی که ما درخواست می‌دهیم با مقدار وامی که بانک‌ها می‌توانند برای راه اندازی کسب و کار به ما بدهند بسیار متفاوت و کم است.
کارآفرین هفتم	پیچیدگی و سختی کارهای اداری، کافی نبودن مقدار وام
کارآفرین هشتم	کافی نبودن مقدار وام برای بکارگیری در زمینه مورد نظر، نداشتن ضامن معتبر
کارآفرین نهم	مشکل بودن انجام کارهای بانکی، پیچیدگی امور داری، طولانی بودن فرایند ثبت نام تا اعطای وام
کارآفرین دهم	انجام کارهای بانکی بسیار سخت و وقت گیر است
کارآفرین یازدهم	مراحل گرفتن وام بسیار طولانی است و مقدار وامی که برای راه اندازی کار به ما می‌دهند بسیار کم است
کارآفرین دوازدهم	مشکل پیدا کردن ضامن و وثیقه، کافی نبودن مقدار وام برای بکارگیری در زمینه مورد نظر، مشکل بودن کارهای بانکی
کارآفرین سیزدهم	مشکل پیدا کردن ضامن و وثیقه، پیچیدگی امور داری، کافی نبودن مقدار وام برای بکارگیری آن در زمینه اشتغال مورد نظر
کارآفرین چهاردهم	مشکل بودن انجام کارهای بانکی، طولانی بودن فرایند ثبت نام تا اعطای وام
کارآفرین پانزدهم	مقدار وامی که در اختیار کارآفرینان قرار می‌دهند برای راه اندازی کسب و کار در روستا بسیار کم است
کارآفرین شانزدهم	عدم توانایی بازپرداخت به موقع اقساط بانکی
کارآفرین هفدهم	مقدار وام بسیار کم است به گونه‌ای که بقای آن کسب و کار ایجاد شده در روستا پنجاه پنجاه است.
کارآفرین هجدهم	انجام کارهای بانکی نیاز به آمد و شد زیادی دارد. کارکنان بانک چوب لای چرخ متقاضیان وام می‌گذارند
کارآفرین نوزدهم	کافی نبودن مقدار وام برای راه اندازی اشتغال
کارآفرین بیستم	کافی نبودن مقدار وام برای راه اندازی اشتغال، طولانی بودن مراحل ثبت نام تا اعطای وام

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

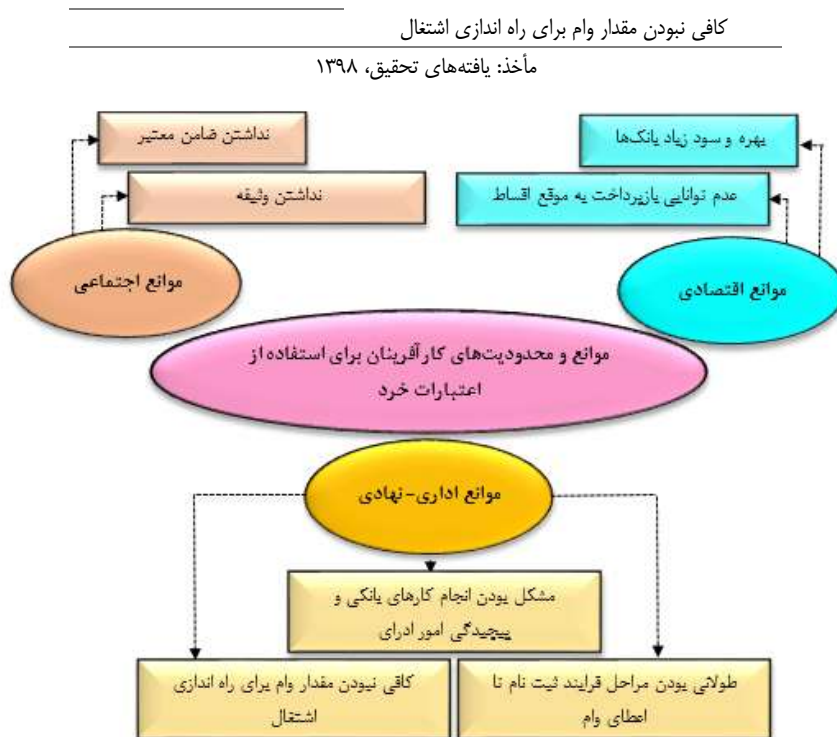
جدول ۲. مفهوم سازی داده‌ها (کدهای باز) برای گروه کارآفرینان

ردیف	موانع و محدودیت (تعداد تکرار)	کد
۱	نداشتن ضامن معتبر (۱۱)	A
۲	نداشتن وثیقه (۱۵)	A
۳	کافی نبودن مقدار وام برای راه اندازی اشتغال (۱۷)	C
۴	طولانی بودن مراحل فرایند ثبت نام تا اعطای وام (۲۵)	C
۵	مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری (۲۳)	C
۶	بهره و سود زیاد بانکها (۲۱)	B
۷	عدم توانایی باز پرداخت به موقع اقساط (۹)	B

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۳. طبقه‌بندی کدهای محوری گروه کارآفرینان

کد طبقه	مفاهیم (کدهای باز)	کدهای محوری
A	نداشتن ضامن معتبر نداشتن وثیقه	موانع اجتماعی
B	عدم توانایی باز پرداخت به موقع اقساط بهره و سود زیاد بانکها	موانع اقتصادی
C	مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری طولانی بودن مراحل فرایند ثبت نام تا اعطای وام	موانع اداری- نهادی



شکل ۲. مدل مفهومی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در گروه کارآفرینان روستایی
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

دست آمد که هر یک از آنها دارای خرده‌های طبقاتی به شرح جدول ۵ است.

در شکل ۲، مدل مفهومی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در بین گروه مردم روستایی ارائه شده است. این موانع و محدودیت‌ها نیز همانند گروه کارآفرینان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و نهادی-اداری می‌باشد؛ که موانع اقتصادی شامل: عدم توانایی بازپرداخت به موقع اقساط، بهره و سود زیاد بانک‌ها و سر رسید بسیار سریع وام که عملاً سرمایه در گردش را از فعالیت‌های کارآفرینی روستایی می‌گیرد، می‌باشد. در بعد موانع اجتماعی اشاره به مواردی چون؛ نداشتن ضامن معتبر، نداشتن وثیقه، دسترسی نداشتن روستاییان به منابع اطلاع‌رسانی در خصوص سازمان‌های توزیع وام، عدم توانایی برخی از روستاییان از ارائه مدارک مورد نیاز، عدم دسترسی روستاییان به سازمان‌های توزیع وام و نداشتن تناسب میان شرایط محیطی

همچنین در ادامه نظرات مردم روستایی در ارتباط با موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد مورد بررسی قرار گرفت. پس از استخراج نکات کلیدی نمونه‌های مردم روستایی در ارتباط با موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد، از درون مصاحبه‌های ضبط شده، در مرحله کدگذاری، به هریک از عبارتهای مرتبط با موضوع اشاره شده توسط نمونه‌ها یک کد داده شد که در نهایت ۱۵ مورد موانع و محدودیت استفاده از اعتبارات خرد از مصاحبه گروه مردم روستایی مورد شناسایی قرار گرفت (جدول ۴).

در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که موضوع مشترک داشتند در قالب مفاهیمی جدید گروه بندی شدند. با توجه به بررسی‌های انجام شده و موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی با توجه به بار مفهومی هر یک از موارد در طبقه‌بندی متناسبی قرار گرفت. به عبارتی طبقه‌ای گسترده به

روستا با طرح مورد نظر برای راه‌اندازی اشتغال، دارد.

جدول ۴. مفهوم سازی داده‌ها (کدهای باز)

ردیف	موانع و محدودیت (تعداد تکرار)	کد
۱	نداشتن ضامن معتبر (۵۶)	A
۲	نداشتن وثیقه (۶۱)	A
۳	کافی نبودن مقدار وام برای راه‌اندازی اشتغال (۴۹)	C
۴	طولانی بودن مراحل فرایند ثبت نام تا اعطای وام (۵۷)	C
۵	دسترسی نداشتن روستاییان به منابع اطلاع‌رسانی در خصوص سازمان‌های توزیع وام (۶۲)	A
۶	مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری (۶۰)	C
۷	سر رسید بسیار سریع وام که عملاً سرمایه در گردش را از فعالیت‌های کارآفرینی روستایی می‌گیرد (۴۶)	B
۸	عدم توجه به انتظارات روستاییان در زمینه بکارگیری وام (۵۳)	C
۹	عدم حمایت روستاییان از سوی نهادهای دولتی بعد از اعطای وام (۵۱)	C
۱۰	عدم دسترسی روستاییان به سازمان‌های توزیع وام (۴۹)	A
۱۱	بهره و سود زیاد بانکها (۶۳)	B
۱۲	عدم توانایی برخی از روستاییان از ارائه مدارک مورد نیاز (۶۱)	A
۱۳	ضعیف بودن نهادهای نظارتی کشور بعد از اعطای وام و در نتیجه بکارگیری وام در زمینه غیر از اشتغال (۵۸)	C
۱۴	نداشتن تناسب میان شرایط محیطی روستا با طرح مورد نظر برای راه‌اندازی اشتغال (۴۸)	A
۱۵	عدم توانایی باز پرداخت به موقع اقساط (۶۱)	B

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۵. طبقه بندی کدهای محوری گروه مردم روستایی

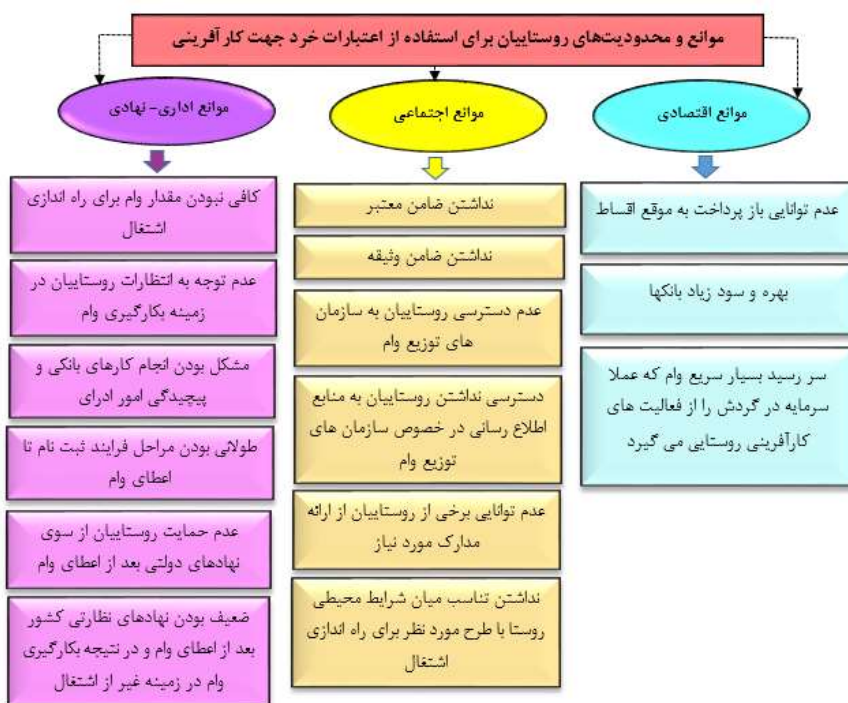
کد طبقه	مفاهیم (کدهای باز)	کدهای محوری
A	نداشتن ضامن معتبر	موانع اجتماعی
	نداشتن وثیقه	
	دسترسی نداشتن روستاییان به منابع اطلاع‌رسانی در خصوص سازمان‌های توزیع وام	
	عدم توانایی برخی از روستاییان از ارائه مدارک مورد نیاز	
B	عدم دسترسی روستاییان به سازمان‌های توزیع وام	موانع اقتصادی
	نداشتن تناسب میان شرایط محیطی روستا با طرح مورد نظر برای راه‌اندازی اشتغال	
	عدم توانایی باز پرداخت به موقع اقساط	
C	بهره و سود زیاد بانکها	موانع اداری- نهادی
	سر رسید بسیار سریع وام که عملاً سرمایه در گردش را از فعالیت‌های کارآفرینی روستایی می‌گیرد	
	مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری	
	طولانی بودن مراحل فرایند ثبت نام تا اعطای وام	
	ضعیف بودن نهادهای نظارتی کشور بعد از اعطای وام و در نتیجه بکارگیری وام در زمینه غیر از اشتغال	
کافی نبودن مقدار وام برای راه‌اندازی اشتغال		
عدم حمایت روستاییان از سوی نهادهای دولتی بعد از اعطای وام		
عدم توجه به انتظارات روستاییان در زمینه بکارگیری وام		

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در نهایت نیز به بعد نهادی-اداری از موانع و محدودیت‌ها اشاره شده که مواردی از قبیل: مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری، طولانی بودن مراحل فرایند ثبت‌نام تا اعطای وام، ضعف بودن نهادهای نظارتی کشور بعد از

نموده‌اند و در موانع اجتماعی نیز از طولانی بودن فرآیند اعطای وام شاکه بوده‌اند در صورتی که موانع و محدودیت‌های مردم روستایی برای استفاده از اعتبارات خرد بسیار گسترده‌تر از کارآفرینان می‌باشند. و مواردی را که بیش از همه بر آن تأکید نموده‌اند شامل: نداشتن ضامن معتبر، نداشتن وثیقه، کافی نبودن مبلغ وام برای راه‌اندازی اشتغال، طولانی بودن مراحل فرآیند ثبت نام و بهره و سود زیاد بانکها می‌باشد.

اعطای وام و در نتیجه بکارگیری وام در زمینه غیر از اشتغال، کافی نبودن مقدار وام برای راه‌اندازی اشتغال، عدم حمایت روستاییان از سوی نهادهای دولتی بعد از اعطای وام و عدم توجه به انتظارات روستاییان در زمینه بکارگیری وام، می‌باشد. با توجه به استخراج موانع و محدودیت‌ها اعتبارات خرد در بین دو گروه نمونه، می‌توان چنین بیان نمود که کارآفرینان تأکید بیشتری بر موانع و محدودیت‌های اداری-نهادی داشته‌اند. و در موانع اقتصادی بر نداشتن ضامن معتبر و نداشتن وثیقه تأکید



شکل ۳. مدل مفهومی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در گروه مردم روستایی
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

دارای بیشترین تکرار از نظر نمونه‌ها بوده است. این نشان می‌دهد که بروکراسی اداری حاکم بر فرایند ارائه اعتبارات خرد به روستاییان، پیچیده و طولانی و برای آنها که از محیط‌های شهری و نهادهای ارائه‌دهنده تسهیلات فاصله دارند، سخت می‌باشد.

تبیین موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی مربوط به توسعه کارآفرینی؛ پس از اینکه موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد در دو گروه جداگانه کارآفرینان روستایی و مردم عادی مورد بررسی قرار گرفت، اقدام به ترکیب نقاط مشترک نظرات دو گروه گردید (جدول ۷). همانطوریکه مشاهده می‌شود، طولانی بودن فرایند دریافت وام با فراوانی ۹۳ مورد،

جدول ۷. بیشترین فراوانی موانع و محدودیت‌ها از جانب پاسخگویان

فراوانی	موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی
۱۰۳	نداشتن ضامن معتبر
۹۱	نداشتن وثیقه
۸۹	کافی نبودن مقدار وام برای راه اندازی اشتغال
۱۶۰	طولانی بودن مراحل فرایند ثبت نام تا اعطای وام
۱۴۵	بهره و سود زیاد بانکها

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

موانع نهادی - اداری

از موانع نهادی - اداری می‌توان به مشکل بودن انجام کارهای بانکی و پیچیدگی امور اداری و طولانی بودن فرآیند ثبت نام تا اخذ وام و همچنین کافی نبودن مقدار وام برای راه‌اندازی اشتغال مورد نظر و عدم حمایت و ضعیف بودن نهادهای نظارتی باعث می‌شود همان مقدار اعتباری که دریافت شده در زمینه غیر از اشتغال بکار برده شود و در توسعه کارآفرینی روستایی سهمی نداشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کارآفرینی به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم در راستای توسعه اقتصادی بشمار آمده و در دهه‌های اخیر مورد توجه مدیران بخش روستایی برای توسعه اقتصادی روستاها قرار گرفته است. کارآفرینان می‌توانند به عنوان افراد خلاق، نوآور، فرصت‌شناس، تولیدکننده تأثیرگذاری بالایی در بهره‌وری اقتصادی خود، خانواده و محیط روستایی آنان داشته باشند. بنابراین رشد و توسعه کارآفرینی روستایی می‌تواند در ایجاد ثروت و تنوع اقتصادی و ایجاد اشتغال، تأثیرگذار باشد. اما باید توجه داشت که شکل‌گیری کارآفرینی نیاز به وجود بسترهای لازم می‌باشد. بنابراین عوامل متعددی در شکل‌گیری کارآفرینی روستایی تأثیرگذارند که بر اساس مطالعه انجام شده، یکی از مهم‌ترین آن‌ها، دسترسی به منابع مالی و اعتبارات می‌باشد؛ زیرا

بطور کلی موانع و محدودیت‌های مطرح شده در ارتباط با

استفاده از اعتبارات خرد دولتی را در سه گروه بیان کرد:

موانع اجتماعی

یکی از موانع و محدودیت‌هایی که اکثر پاسخ‌دهندگان به آن اشاره نمودند موانع و محدودیت‌های اجتماعی می‌باشد؛ بیشتر پاسخ‌دهندگان در میان سخنان خود از نداشتن ضامن معتبر در محیط روستا که کارمند دولت باشد و فیش حقوقی داشته باشد و همچنین یکی از شرایط دیگر گرفتن وام گذاشتن وثیقه ملکی است و با توجه به اینکه اکثر زمین‌های روستایی سنددار نشده‌اند به عنوان محدودیت برای آنان به شمار می‌رود. همچنین روستاییان از سازمان‌های توزیع وام و ارائه برخی از مدارک مورد نیاز برای اخذ وام اطلاع چندانی ندارند و به همین دلیل باعث می‌شود در گرفتن وام برای راه‌اندازی کسب و کار با محدودیت و موانع بسیاری مواجه شوند.

موانع اقتصادی

یکی دیگر از محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی مربوط به مسائل اقتصادی همچون: عدم توانایی بازپرداخت به موقع اقساط بانکی و سر رسید بسیار سریع وام است که باعث می‌شود سرمایه در گردش را از فعالیت‌های کارآفرینی در مناطق روستایی بگیرد و سود و بهره زیاد بانکی در هنگام بازپرداخت نیز از موانع جدی روستاییان برای استفاده از این اعتبارات می‌باشد.

اغلب افراد روستایی به لحاظ مالی از بنیه مالی ضعیفی برخوردار بوده و عمدتاً توانایی راه‌اندازی کسب‌وکارها را ندارند. به همین دلیل نیازمند به حمایت‌های مالی بیشتر می‌باشند که یکی از آن‌ها می‌تواند، حمایت‌های مالی دولتی در قالب اعتبارات باشد. با وجود تلاش‌های دولت‌ها برای حمایت از کارآفرینان کوچک و متوسط مقیاس به ویژه در نواحی روستایی، شواهد نشان‌دهنده نارضایتی کارآفرینان و مردم محلی در دسترسی به منابع مالی از جمله اعتبارات خرد می‌باشد. بر این اساس، این مطالعه متمرکز بر مطالعه موانع و محدودیت‌های مربوط به دسترسی کارآفرینان و مردم روستایی به اعتبارات خرد در روستاهای دهستان رادکان می‌باشد. یافته‌های به دست آمده از بررسی نظرات دو گروه کارآفرینان و مردم عادی روستایی نشان داد که به دلیل وجود موانع و محدودیت‌های (اقتصادی، اجتماعی و نهادی - اداری) مانند کافی نبودن مقدار وام (در تأیید یافته‌های فردوسی (۲۰۱۵))، طولانی بودن فرآیند اخذ وام، بهره و سود زیاد بانک‌ها، پیچیدگی امور اداری و بانک، دسترسی نداشتن روستاییان به منابع اطلاع‌رسانی در خصوص سازمان‌های توزیع وام، عدم توانایی بازپرداخت به موقع اقساط، ضعیف بودن نهادهای نظارتی، عدم حمایت روستاییان از سوی نهادهای دولتی بعد از اعطای وام، عدم توجه به انتظارات روستاییان در زمینه بکارگیری وام و غیره، از گرفتن وام منصرف می‌شوند. همچنین ترکیب نقاط مشترک نظرات دو گروه نشان داد که طولانی بودن فرآیند دریافت وام با فراوانی ۹۳ مورد، دارای بیشترین تکرار از نظر نمونه‌ها بوده است که در تأیید یافته‌های نظری و عادل (۱۳۹۰) و انوانکو و اوکیکه (۲۰۱۷) می‌باشد. این نشان می‌دهد که بروکراسی اداری حاکم بر فرآیند ارائه اعتبارات خرد به روستاییان، پیچیده و طولانی و برای آن‌ها که از محیط‌های شهری و نهادهای ارائه‌دهنده تسهیلات فاصله دارند، سخت می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده و یافته‌ها می‌توان

پیشنهادهایی را بدین صورت ارائه کرد تا زمینه دسترسی آسان و گسترده کارآفرینان و مردم محلی متقاضی به اعتبارات خرد را فراهم سازد: افزایش مبلغ وام در زمینه دامداری و کشاورزی به علت پرهزینه بودن این مشاغل در روستاهای مورد مطالعه؛ توجه به توزیع عادلانه وام در بین همه متقاضیان روستایی؛ ارائه وام‌های کم‌بهره و دوره‌های بازپرداخت بلند مدت برای روستاییان که کسب و کارهای جدیدی را راه‌اندازی نمایند؛ اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق از چگونگی دریافت وام، میزان وام و غیره، یکی از عواملی است که باعث می‌شود روستاییانی که دارای مسافت طولانی نسبت به شهر و مرکز دهستان هستند در این زمینه آگاه شوند و با شناخت کافی از این موضوع انگیزه بیشتری برای دریافت وام پیدا کنند؛ وجود سازمان‌های توزیع وام در روستای مرکزی (روستای رادکان) برای دسترسی آسان روستاهای اطراف به این سازمان‌ها و از بین رفتن مسافت عاملی در افزایش انگیزه روستاییان برای دریافت وام می‌باشد؛ حمایت دولت از روستاییان متقاضی وام‌های خود اشتغالی از طریق از بین بردن قوانین دست و پاگیر برای پرداخت و توزیع وام و ایجاد تنوع بیشتر در مشاغل که وام به آن‌ها تعلق می‌گیرد. با توجه به مقدار کم وام نباید انتظار ایجاد شغل جدید وجود داشته باشد بنابراین پیشنهاد می‌شود که راهبرد وام‌های خود اشتغالی در راستای توسعه فعالیت‌های اقتصادی جاری متقاضیان مورد استفاده قرار بگیرد. در نهایت با توجه به اینکه منطقه مورد مطالعه از جمله روستای رادکان محصولات کشاورزی با ارزش و صادراتی چون زعفران و پسته را تولید می‌کنند، می‌توانند با ایجاد کارگاه‌ها یا کارخانه به فرآوری این محصولات برای صادرات اقدام نمایند. بنابراین با توجه به مطالعات انجام شده در پیرو موضوع تحقیق و همچنین تحقیق حاضر (شناسایی موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد دولتی را در بین دو گروه کارآفرینان روستایی و مردم روستایی و مقایسه موانع و محدودیت‌های پیش رو و همچنین تلفیق موانع و محدودیت‌های استفاده از اعتبارات خرد

کارآفرینی در مناطق روستایی، شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در روستا در ایجاد کارآفرینی روستایی باشد.

دولتی آن‌ها با یکدیگر) می‌توان مطالعات آتی، پیرامون موضوعاتی چون: شناسایی تمایلات کارآفرینان در ایجاد

منابع

- افشار (ترجمه). ۱۳۹۰. مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. نشر نی، چاپ اول، تهران.
- افتخاری، ع.، سجاسی قیداری، ح و رضوی، ح. ۱۳۸۹. راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳ (۳): ۲۹-۱.
- افتخاری، ع و سجاسی قیداری، ح. ۱۳۸۹. توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- افتخاری، ع.، طاهرخانی، م و سجاسی قیداری، ح. ۱۳۸۸. تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۳): ۷۲-۴۳.
- افتخاری، ع.، عینالی، ج و سجاسی قیداری، ح. ۱۳۸۵. ارزیابی اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی؛ مطالعه موردی تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴ (۵۶): ۷۶-۴۵.
- افراخته، ح.، حجی پور، م و گرزین، م و نجاتی، ب. ۱۳۹۲. جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (نمونه موردی: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب)، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۱ (۱): ۶۲-۴۳.
- ایزدی، ح و برزگر، س. ۱۳۹۲. کارآفرینی و توسعه روستایی آموزه‌هایی از تجارب کشور چین، پژوهش‌های روستایی، ۹۰۱-۹۱۸: (۴)۴.
- بتشکن، م و سیف‌الدینی، ج. ۱۳۹۱. کسب‌وکارها و منابع تأمین مالی متناسب با آن‌ها، مقاله آموزش و ترویج، کارآفرینان، ۸۴: ۱۳-۷.
- بریمانی، ف.، نیک منش، ز و خداوردی لو، ثریا. ۱۳۹۱. بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس، فصلنامه اقتصاد و فضا توسعه روستایی، ۱۱ (۱): ۸۲-۶۹.
- پاپزن، ع.، قبادی، پ و زرافشان، ک. ۱۳۸۹. مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی مورد مطالعه روستایی حریر استان کرمانشاه، پژوهش‌های روستایی، ۱ (۳): ۲۵-۵۲.
- تقدیسی، ا.، توکلی، ج و عبدی، ع. ۱۳۹۶. ارزیابی نقش اعتبارات خرد صندوق کارآفرینی امید بر کارآفرینی روستایی؛ شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه، همایش ملی بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی روستایی در ایران، ۳۰ فرودین، دانشگاه حکیم سبزواری.
- حسن زاده، ع.، ازوجی، ع و قویدل، ص. ۱۳۸۵. بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶ (۲۱): ۶۹-۴۵.
- رجبی، س. ۱۳۹۳. ارزیابی نقش اعتبارات بانکی در توسعه کارآفرینی روستایی با تأکید بر بانک کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مجید یاسوری، دانشگاه گیلان.
- رضوانی، م.، دربان‌آستانه، ع و احمدآبادی و ح. ۱۳۹۴. تحلیل اثرات اعتبارات خرد بر پایداری اقتصاد روستایی (مورد مطالعاتی: اعتبارات صندوق کارآفرینی امید در شهرستان نیشابور)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۳ (۱): ۲۳۳-۲۰۹.
- زرین، م.ع. ۱۳۹۵. بررسی دلایل عدم گرایش کارآفرینان به استفاده از تأمین مالی جمعی (مطالعه موردی: مراکز رشد،

گنج‌خانی، خ. ۱۳۹۴. ارزیابی نقش اعتبارات خرد در توانمند سازی زنان با تأکید بر کارآفرینی گروهی؛ مطالعه موردی دهستان حومه، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جمشید عینالی، دانشگاه زنجان.

محمدی‌یگانه، ب.، چراغی، م و عظیمی گهرارز، ز. ۱۳۸۹. نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی روستایی، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه، ۷-۱.

موحدی، ر و یعقوبی فرانی، ا. ۱۳۹۱. درآمدی بر کارآفرینی روستایی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، چاپ اول، همدان. نظری، ع و عادل، ج. ۱۳۹۰. مقایسه میزان اثربخشی اعتبارات خرد بر اقشار جامعه روستایی در نواحی کوهستانی و دشتی شهرستان آزادشهر، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۹(۳۱): ۲۱۴-۱۹۱.

نظری، م. ۱۳۸۷. اصول و مبانی کارآفرینی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و پخش کتاب پویش، تهران.

نوربخش رمزی، ز. ۱۳۹۲. تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای بخش شانندیز شهرستان بینالود)، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حمید شایان، دانشگاه فردوسی مشهد.

Ahmad, A.R., Yusoff, W.F.W., Noor, H.M., Ramin, A.K. 2012. Preliminary Study of Rural Entrepreneurship Development Program in Malaysia, Journal of global entrepreneurship, January 2012, 2(1): 1-8.

Dong-liang, C., Quan-yun, S., Shuang, M., Yang, D., Qiu-hua, X. 2018. The relationship between credit constraints and household entrepreneurship in China, Journal of International Review of Economics & Finance, Doi: 10.1016/j.iref.2018.03.024: 1-20.

Fasourani, M.M. 2010. The influence of micro-

پارک‌های علمی- فناوری و بنیاد نخبگان استان تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مهدی شیرمحمدی، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند.

شاردوری، ا. ۱۳۹۵. عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در حوزه گردشگری روستایی در چابهار، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی سید علیقلی روشن، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

صالحی‌چگنی، م.، رحیمیان، م و غلامرضایی، س. ۱۳۹۵. قابلیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز، شیراز. صیدایی، ا و صادقی، ح. ۱۳۹۳. کارآفرینی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، انتشارات دار خوین، چاپ دوم، اصفهان.

طوسی، ر.، جمشیدی، ع و تقدیسی، ا. ۱۳۹۳. کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مینو دشت)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳(۸): ۱۱-۱.

فرجی سبکیار، ح.، بدری، ع.، سجاسی قیداری، ح و صادقلو، ط و شهدادی خواجه عسگر، ع. ۱۳۹۰. اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومیتی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده، استان زنجان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۵: ۶۸-۵۳.

کر، ع و شریف‌زاده، م. ۱۳۹۵. تحلیل مسایل و مشکلات کشت توتون در استان مازندران، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴: ۸۹۹-۸۸۷.

کرمی‌دهکردی، م و کلانتری، خ. ۱۳۹۰. شناسایی مشکلات گردشگری استان چهارمحال بختیاری با استفاده از تکنیک تئوری بنیانی، پژوهش‌های روستایی، ۲(۳): ۱-۳۰.

- International Journal of Science and Research, 3(8): 51-54.
- Li, X., Gan, C., & Hu, B. 2011. The welfare impact of microcredit on rural households in china, *The Journal of Socio- Economics*, 40: 404- 411, Doi: 10.1016/j.socec.2011.04.012
- Nwankwo, F. O & Okeke, C. S. 2017. Rural entrepreneurship and rural development in Nigeria, *Africa's Public Service Delivery and Performance Review*, 5(1): 1-7, Doi: 10.4102/apsdpr.v5i1.152
- Olu, O. 2009. Impact of microfinance on entrepreneurial development: The case of Nigeria, *The International Conference on Economics and Administration*, Faculty of Administration and Business, University of Bucharest, Romania, ICEA – FAA Bucharest, 14-15th November 2009: 536-545.
- Seemi, W. 2019. Dose Rural Micro Credit Improve Well- Being of Borrowers in the PUNJAB (Pakistan)?, *Pakistan Economic and Social Review*, 47(1): 31-47.
- Singhal, & Singh, Y. 2016. Sustainable Rural Development Initiatives Taken by Government of India, *International Journal of Management and Social Science Research Review*, 1(3): 207-212.
- credit on poverty alleviation among rural dwellers: A case study AKOKO North West Local Government Area of ONDO State, *Africa journal of Business Management*. 4(8), 18 July, pp 1436-1446, Doi: 10.3923/jeth.2010.1.8
- Ferdousi, F. 2015. Impact of microfinance on sustainable entrepreneurship development, *Development studies research*. 21 (1): 51-63, Doi: 10.1080/21665095.2015.1058718
- Gupta, D. 2014. The Impact of Micro Finance on Rural Households and Its Role in Rural Development and Poverty Alleviation- An Analysis of North Eastern Villages of U.P, India, *International Journal of Management (IJM)*, 5, (4): 145-151.
- Guroi, Y., & Atsan, N. 2006. Entrepreneurial Characteristics among University Students and Training in Turkey, *Education and training*, 48(1): 25-38, Doi: 10.1108/00400910610645716
- Hoque, S. 2008. Dose Micro Credit Programs in Bangladesh Increase Household ability to Deal with Economic Hardship (www.Mpra.ub.unimuenchen.de/6678/ (accessed on 14 2008).
- Kushalakshi., R, A. 2014. Rural Entrepreneurship: A Catalyst for Rural Development,

Identifying barriers and restrictions on the use of government microcredit in the development of rural entrepreneurship activities (Case study: the Radkan Dehestan)

Shadi Khoob¹, Hamdollah Sojasi Qeidari^{2*} and Aliakbar Anabestani³

Submitted: 22 September 2020

Accepted: 4 March 2021

Abstract

Today, most people, especially in rural areas, are denied access to financial services such as microcredit in both forms of facilities and savings. Granting microcredit can strengthen entrepreneurial motivation among people who are thinking of starting a business in rural areas. The purpose of this study is to identify barriers and limitations of using government microcredit in development of rural entrepreneurship activities in the Radkan village. The methods of basic theory and qualitative and in-depth semi-structured interviews have been used in this research study in order to collect information and data in 13 villages. The sample population consisted of 29 rural entrepreneurs in the Radkan village and 68 rural people. The data collected was analyzed through content analysis and classified through coding steps (open, axial and selective). The findings of this research study have led to extraction of the conceptual model of barriers and limitations of using microcredit for entrepreneurship purposes. Entrepreneurs and rural people give up borrowing due to the existence of obstacles and constraints (such as economic, social and institutional-administrative). Therefore, facilitating low-interest loans with long repayment periods can be effective in starting new rural businesses.

Keywords: Rural Development, Microcredit, Rural Entrepreneurship, Radkan village.

1 - M.A. student in Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

2 - Assistant Professor of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3 - Professor of Geography & Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

(* - Corresponding author Email: ssojasi@um.ac.ir)

DOI: 10.22048/RDSJ.2021.249621.1876